**حقوق از منظر امام علی علیه السلام**

علمای اسلام معتقدند که هیچ مسئله ای بعد از توحید به اهمیت حق و عدل نمی رسد همانطوری که مسئله توحید در تمام اعتقادات دینی و اخلاقی مسلمانان ریشه دارد ادای حقوق دیگران نیز از آنچنان اهمیتی برخوردار است که بعد از اعتقاد به یگانگی خدا چیزی به پای آن نمی رسد و در تمام شئون اجتماعی مسلمین جایگاه مخصوصی دارد. در این مقاله انواع حق از نگاه مولا علی علیه السلام بررسی شده است.

**حق الناس**

حضرت علی علیه السلام در اهمیت حقوق مردم می فرماید:

سوگند به خدا اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان (خار سه شعبه و گزنده) به سر ببرم و یا با غل و زنجیر به این سو و آن سو کشیده شوم، خوش تر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت، در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان خدا ستم نموده، و به ناحق چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم.(1(

آیا این سخنان گهربار، به مسئولین جوامع اسلامی و امت اسلام برای همیشه هشدار نمی دهد؟ بسیارند کسانی که ادعای دینداری می کنند ولی بی میل نیستند که از راه های نامشروع و تعدی به حقوق این و آن، به مطلوب خود دست یابند چنانکه بعضی از این افراد، به آن امام بزرگوار پیشنهاد می کردند حال که حکومت اسلامی به دست شما رسیده چه اشکال دارد که از هر راهی به اهداف خود دست یابید؟! ولی آن حضرت در جواب آنها می فرماید: آیا به من دستورمی دهید که برای پیروی از جور و ستم و رفتار ناحق درباره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم استفاده کنم؟ به خدا قسم تا عمر دارم و تا شب و روز از پی هم می آیند و ستارگان یکی پس از دیگری طلوع و غروب می کنند هرگز چنین کاری نخواهم کرد.(2(

**اهمیت حق و عدل**

در تفسیر قرآن کریم آورده اند: روزی دو کودک خردسال هر کدام خطی نوشته و به حضور امام حسن مجتبی علیه السلام شرفیاب شدند و از آن جناب خواستند که بهترین خط را انتخاب نماید. در این موقع امام علی علیه السلام ناظر این صحنه بود به فرزند خود امام مجتبی علیه السلام فرمود: پسرم نگاه کن که چگونه داوری خواهی کرد و حق را به صاحب حق خواهی داد زیرا این یک قصاوت است و خداوند تعالی در روز قیامت، از چگونگی آن از تو سوال خواهد کرد. (3) می بینیم برای مسئله ای به این کوچکی که از دید ما شاید آنقدر کم اهمیت است که قابل ذکر نیست، حضرت امام علی علیه السلام تا آنجا به این مسئله اهمیت می دهد که به فرزندش چنین اخطار می کند.

**احترام به حقوق مردم**

حضرت علی علیه السلام در سال 36 هجری حکومت اسلام را به دست گرفت. در نهج البلاغه آمده است که آن حضرت به مامور جمع آوری مالیات در مورد مراعات حقوق مردم اینگونه سفارش فرموده است: در مسیر راه، هیچ مسلمانی را نترسان یا با زور و قلدری از زمین او عبور نکن. و افزون تر از حقوق الهی از او مگیر، و هر گاه به قبیله ای رسیدی در کنار آبشان فرود آی و وارد خانه کسی از آنها مشو... تا آنجا که فرمود: پس به آنها سلام کن، و در سلام و مهربانی کوتاهی نکن سپس می گویی: ای بندگان خدا مرا ولی خدا و جانشین او به سوی شما فرستاده، تا حق خدا را که در اموال شما است تحویل گیرم، آیا در اموال شما حقی است که به نماینده او بپردازید؟

اگر کسی گفت: نه، دیگر به او مراجعه نکن، و اگر کسی پاسخ داد آری، همراهش برو بدون این که او را بترسانی، یا تهدید کنی،... تا آنجا که فرمود:

و اگر دارای گوسفند یا شتری بود، بدون اجازه اش داخل مشو که اکثر اموال از آن او است، آنگاه که داخل شدی مانند اشخاص سلطه گر و سخت گیر رفتار مکن. در کجای دنیا سراغ دارید که زمامداری در اوج قدرت، نسبت به مردم اینگونه سفارش کند؟ (4(

**حقوق دوستان**

گاهی پیش می آید که دو نفر دوست که سال ها با هم در کمال صمیمیت و مهربانی زیسته اند و تحمل یکدیگر را در گرفتاری ها داشته اند ولی به خاطر اندک چیزی با یکدیگر قهر نموده و از هم جدا شده اند، و شیطان هم با دسیسه های اهریمنی خود پیوند دوباره آنها را ناممکن ساخته است. امیرالمومنین علیه السلام درباره ایجاد رابطه بین دو دوست، با بیان گهربار خود به فرزندش امام مجتبی علیه السلام می فرماید: چون برادرت از تو جدا شود تو پیوند دوستی را برقرار کن، اگر او روی برگرداند تو مهربانی کن، و چون بخل ورزد تو بخشنده باش، هنگامی که او دوری می گزیند تو نزدیک شو، و چون او سخت می گیرد تو آسان گیر... تا آنجا که می فرماید: چنانچه گویی بنده او هستی، و مثل این که او صاحب نعمت تو باشد. (5(

**رعایت حقوق و حدود دوستی**

مهربانی و گذشت هر چند بسیار عالی است اما باید بدانیم که در همه جا کاربرد ندارد بلکه در جایش ارزشمند است، همان طوری که خشم وغضب نیز جایگاه خودش را دارد اگر در جایی که نباید اعمال شود به کار رود به قول معروف به جای این که ابرو را درست کند چشم را کور می نماید سعدی می گوید:

تواضع گرچه محبوب است و اجر بیکران دارد نشاید کرد با هر کس که هیبت را زیان دارد

به همین دلیل حضرت علی علیه السلام بعد از آن رهنمود بسیار زیبا به فرزند ارجمندش، امام مجتبی علیه السلام در رعایت حقوق دوستان، برای این که حدود و مرز محبت ها را نسبت به برادران دینی و دوستان معین کند بلافاصله به دنبال آن سخنان، می فرماید: مبادا دستورات یاد شده را با انسان هایی که سزاوار آن نیستند انجام دهی، یا دوستی و گذشت را در غیر موضعش به کار ببری ... تا آنجا که فرمود:

با آن کس که با تو درشتی کرده، به نرمی رفتار کن که امید است به زودی در برابر تو نرم شود.

**حقوق برادری**

آن حضرت در شناخت دقیق حقوق برادری می فرماید:

دوست، دوست نمی شود مگر آن که حقوق برادرش را در سه جا محفوظ نگه دارد: در فقر و گرفتاری و در نبود او، و همچنین بعد از وفات او. (6) و منظور از "نبود او" یعنی همینطور که در حضورش از او دفاع می کند در نبودش نیز از حقوق وی دفاع نماید.

**حقوق متقابل پدر و مادر**

آن امام بزرگوار در نهج البلاغه می فرماید: همانا فرزند را به پدر، و پدر را به فرزند، حقی است. حق پدر بر

فرزند، این است که: پدرش را در تمام دستوراتش به غیر از معصیت خدا اطاعت نماید. و حق فرزند بر پدر این است که: نام نیکو برای او بگذارد، خوب تربیتش کند، و به او قرآن بیاموزد. (7(

راستی اگر مسلمانان به این دستورالعمل های سعادت آفرین اسلام که از زبان امام معصوم تراوش کرده عمل کنند، و به حقوق هم احترام بگذارند، آیا جامعه اسلامی ما بهتر از این نخواهد بود؟

**حقوق متقابل امام و امت**

امام در رابطه با حقوق متقابل امام و امت اینگونه خطاب می کند و می فرماید:

ای مردم مرا بر شما حقی است و شما را نیز بر من حقی واجب شده است. اما حق شما بر من آن است که خیر خواه شما باشم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید.

و اما حق من بر شما این است که در بیعت با من وفادار باشید، و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید و هر گاه شما را فرا خواندم اجابت کنید، و چون شما را فرمان دادم اطاعت کنید. (8(

آن حضرت این سخنرانی را در آغاز پذیرش حکومت اسلام در سال 36 هجری ایراد فرموده است و در بخش دیگر از این خطبه می فرماید: پس مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر از زبان و دستش در امان باشند مگر آنجا که حق باشد ... (9(

یعنی آنجا که قانون حکم می کند مجرمی تنبیه شود تامین امنیت اجتماعی در گرو اجرای عدالت اسلامی است و باید آن مجرم از هر دسته و گروهی که باشد حد شرعی بر او جاری شود؛ پس اگر فی المثل مجرمی شلاق می خورد این عمل، ظلم نیست بلکه عین حق و عدل است و شلاق زننده نیز به حق عمل کرده است نه به باطل.

**بزرگی حق الناس**

در اهمیت و بزرگی حق مردم و مقدم بودن حق الناس بر خدا همین بس که خداوند تعالی خودش حقوق بندگانش را بر حقوق خویش مقدم شمرده چنانکه حضرت امیرالمومنین در نهج البلاغه می فرماید: خداوند سبحان حقوق بندگانش را بر حقوق خود مقدم قرار داده است، پس هر کس که برای اداء حقوق بندگان خدا قیام کند، در حقیقت، این عمل، او را به ادای حقوق الهی می کشاند. (10(

**بزرگی حق خدا از نگاه رسول خدا صلوات الله علیه**

حق خدا بر بندگانش بزرگ تر از آن است که اداء شود، چنانچه رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: همانا حقوق خداوند تعالی بزرگتر از آن است که بندگان او بتوانند اداء نمایند، و نعمت های او بیشتر از آن است که بندگان او بتوانند شمارش کنند، ولیکن صبح و شام توبه کنید و به سوی او بازگشت نمایید. (11(

**حقوق متقابل رهبر و مردم**

حضرت علی علیه السلام در رابطه با حقوق مردم با رهبر چنین می فرماید: آگاه باشید حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم و کاری را جز حکم شرع بدون مشورت شما انجام ندهم و در پرداخت حق شما کوتاهی نورزیده، و در وقت تعیین شده، به شما بپردازم، و با همه شما به گونه ای مساوی رفتار کنم. پس من وقتی مسئولیت های یاد شده را درست انجام دادم بر خداست که نعمت های خود را بر شما ارزانی دارد، و وظیفه شما هم فرمانداری از رهبر شما است تا آنجا که فرمود: خوارترین افراد نزد من، انسان کج رفتار است که او را به سختی کیفر خواهم داد (12(

**سفارش امام به مالک اشتر در رعایت حقوق مردم**

مالک اشتر از یاران بسیار با وفای حضرت علی علیه السلام بود که در لیاقت و شجاعت و ایمان و تقوا مشهور بود. امام علیه السلام در سال 38 هنگامی که او را به فرمانبرداری مصر برگزید منشوری را برای او نوشت که از زیباترین نامه های آن حضرت در نهج البلاغه محسوب می شود و به "فرمان مالک" معروف است. در این نامه که دارای معانی بسیار ژرف و عمیق است آنچه زمامداران اسلام باید بدانند و با عمل و مراعات آن کشورداری و دینداری و مردم داری کنند در این نامه مکتوب است.

اینک قسمتی از نامه امام به مالک: " دوست داشتنی ترین چیزها در نزد تو در حق، میانه ترین و در عدل، فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص (نزدیکان) را از بین می برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی اثر می کند. خواص جامعه همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می کنند، زیرا در روزگار سختی، یاری شان کمتر، و در اجرای عدالت از همه ناراضی تر، و در خواسته هایشان پافشارتر، و در عطا و بخشش کم سپاس تر، و به هنگام منع خواسته ها، دیر عذر پذیرتر، و در برابر مشکلات کم استقامت تر می باشند، در صورتی که ستون های استوار دین، و اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می باشند.

پس به آنها بیشتر گرایش داشته باش، و میل تو با آنان باشد. (13(

**سفارش امام در رعایت حق و عدل در قصاص**

در نهج البلاغه می خوانیم که امام علی علیه السلام پس از ضربت خوردن با شمشیر ابن ملجم مرادی لعنة الله علیه در سال چهل هجری ضمن وصیت هایی که به فرزندانش امام حسن و امام حسین علیهم السلام فرموده در پایان وصیت، در مورد قصاص، این سفارش اکید را به یادگار گذاشته است: ای فرزندان عبدالمطلب مبادا پس از من دست به خون مسلمین فرو برید (و دست به کشتار بزنید و بدین بهانه تصفیه حساب ها را به میان بکشید) و حرفتان این باشد که بگویید امیرالمومنین کشته شده است. بدانید جز قاتل من نباید کسی دیگر کشته شود آن هم درست بنگرید! اگر من از یک ضربت او که بر من وارد کرده، مُردم شما هم او را تنها یک ضربت بزنید. مبادا دست و پای آن مرد را ببرید و او را مثله نمایید زیرا من از رسول خدا(ص) شنیده ام که فرمود: " از جدا کردن اعضای مرده بپرهیزید، هر چند سگ هار باشد."

**رعایت حقوق حیوانات**

امام علی علیه السلام در نامه 25 نهج البلاغه درباره حمایت از حقوق حیوانات فرموده اند: "حق نداری حیوانی را بترسانی یا مورد اذیت و آزار قرار دهی..."

قبلاً ترجمه بخشی از کلمات آن حضرت در بالا ذکر شد که آن حضرت به مامور وصول مالیات خود فرمود: چون داخل شدی ظالمانه وارد نشو، و حیوانی را رم نده و هراسان مکن... تا آنجا که فرمود: در رساندن حیوانات ( به مرکزحکومت) آن را به دست چوپانی بسپار که خیرخواه و مهربان و امین و نگهبان باشد، نه سختگیر و خشن باشد و نه ستمکار، نه تند براند، و نه حیوانات را خسته کند. نیز می فرماید: هر گاه حیوانات را به دست فردی امین سپردی، به او سفارش کن تا بین شتر و بچه اش جدایی نیفکند، و شیر آن را ندوشد تا زیانی به بچه اش وارد نشود... در سوار شدن بر شتران و چارپایان حقوق آنان را رعایت کند، و مراعات حال شتر خسته یا زخمی را که سواری دادن برای او سخت است بنماید. آنها را در سر راه به درون آب ببرد و از جاده هایی برود که دو طرف آن علفزار است نه جاده بی علف، و هر چند گاه شتران را مهلت دهد تا استراحت کنند و هر گاه به آب و علفزار رسید فرصت دهد تا علف بخورند و آب بنوشند.

**پی نوشت ها:**

1. نهج البلاغه، خطبه 224.
2. نهج البلاغه، خطبه 126.
3. تفسیر مجمع البیان؛ ج 3. 64.
4. نهج البلاغه، نامه 25.
5. نهج البلاغه، نامه 1.
6. نهج البلاغه، حکمت 134.
7. نهج البلاغه، حکمت 399.
8. نهج البلاغه، خطبه 34.
9. نهج البلاغه، خطبه 167.
10. غررالحکم، به نقل از میزان الحکمه، ج2/480.
11. بحار، ج 77/76.
12. نهج البلاغه، نامه 50.
13. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، 569.

**"یوسف صدیق عربانی"**